

America's hegemonic action in the international system and the identification of the extremist Salafist movement

Abdolah Moradi

Assistant Professor of International Relations at National Defense University, Tehran, Iran. Email: Moradi.abdolah@gmail.com

Abstract

The spread of Salafist extremism in the Muslim world and the simultaneous escalation of hegemonic violence in the international system on the pretext of combating terrorism have been one of the most important security events of the past decades. Accordingly, the main objective of this study is to explain the most important security arrangements affecting the formation and direction of "Salafi extremism" and, secondly, the effects that Salafist extremism has placed on regional and international security arrangements. Therefore, the main question of this study is: "What are the most important security arrangements for the spread of Salafist extremism during the post-Cold War period, and how extremism has affected regional and international security arrangements?" As a Research Methodology, by identifying the content of this phenomenon through analyzing the qualitative content of the speeches of the famous extremists (for the study of interpersonal perception), using the constructive theoretical framework, the most important effects of Salafism on security arrangements are examined. The main hypothesis of the study is also that "the security arrangements of the post-cold war era and the Salafist extremism have been interacting in a relationship of institutionalization and co-ordination. In such a way, the security arrangements of the international system, with an emphasis on the regional dynamics resulting from it in West Asia, have led to identification, exacerbation and orientation of Salafist extremism, and the reciprocal extension of extremism through the consolidation of Kantian culture among members The Western system, the development of Hobbesian culture against Islam, the chaos and negation of the state-national order at the regional level, have consolidated the hegemonic features of the existing international system.

Keywords: Salafi extremism, Jihad, Takfir, international system, hegemony, government, regional chaos.

کنش هژمونیک آمریکا در نظام بین الملل و هویت یابی جریان سلفی افراطی

عبداله مرادی

استادیار روابط بین الملل دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

Email: Moradi.abdolah@gmail.com

چکیده

گسترش افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام و هم‌زمان تشدید خشونت‌های هژمونیک در نظام بین‌الملل به بهانه مبارزه با تروریسم، از جمله مهم‌ترین تحولات امنیتی چند دهه اخیر بوده است. بر همین اساس هدف اصلی این پژوهش؛ تبیین مهم‌ترین ترتیبات امنیتی مؤثر بر شکل‌گیری و جهت‌یابی «افراط‌گرایی سلفی» و متقابلاً تأثیراتی که افراط‌گرایی سلفی بر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و بین‌الملل گذاشته، می‌باشد. به همین جهت پرسش اصلی پژوهش این است که: «مهم‌ترین ترتیبات امنیتی مؤثر بر گسترش افراط‌گرایی سلفی در طول مقطع پسا جنگ سرد کدام‌اند و افراط‌گرایی چگونه بر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و بین‌الملل تأثیر گذاشته است؟» به‌عنوان روش پژوهش؛ از طریق تحلیل محتوای کیفی سخنان چهره‌های مشهور افراطی (برای مطالعه ادراک بین‌الذہانی)، هویت‌یابی این جریان، تبیین و با بهره‌گیری از چهارچوب نظری سازه‌نگاری مهم‌ترین تأثیرات سلفی‌گری بر ترتیبات امنیتی بررسی می‌گردد. فرضیه اصلی پژوهش نیز چنین ارائه می‌شود که: «ترتیبات امنیتی نظام بین‌الملل هژمونیک پساجنگ سرد و افراط‌گرایی سلفی در یک رابطه سازا و قوام‌بخشی متقابل با یکدیگر قرار داشته‌اند. به‌گونه‌ای که ترتیبات امنیتی نظام بین‌الملل هژمونیک با تأکید بر پوشش‌های منطقه‌ای ناشی از تجاوز آمریکا به غرب آسیا، باعث هویت‌یابی، تشدید و جهت‌دهی به افراط‌گرایی سلفی شده است و متقابلاً نضج افراط‌گرایی از طریق قوام‌بخشی به فرهنگ کانتی در میان اعضای غربی نظام، گسترش فرهنگ هابزی علیه اسلام، آشوب و نفی نظم دولت - ملت در سطح منطقه‌ای، ویژگی هژمونیک نظام بین‌الملل موجود را قوام‌بخشیده است.»

واژگان کلیدی: سلفی - افراطی، جهاد، تکفیر، نظام بین‌الملل، هژمونی، دولت، آشوب منطقه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، صص ۲۷-۵۶



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Doi: [10.22034/rir.2024.404858.1000](https://doi.org/10.22034/rir.2024.404858.1000)

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

سلفی‌گری جریانی مذهبی و اجتماعی است که به دنبال بازگشت به اعتقادات و شیوه عمل صحیح سه نسل اول مسلمانان می‌باشد. آن‌ها به مفهوم ویژه توحید یا وحدانیت خداوند، در مقابل شرک معتقدند و قرآن و سنت را تنها منابع اصیل قانون و قدرت می‌دانند و مخالف هرگونه بدعت هستند (Haykel, 2009:38). اما افراط به‌عنوان یکی از صورت‌های پدیداری سلفی‌گری درمی‌آید که حاصل افزودن بُعد خشونت به آن است. افراط‌گرا نیز صفتی است که به گروه‌هایی که به‌منظور تحمیل باورها و ایدئولوژی خود به دیگران به خشونت متوسل می‌شوند، اطلاق می‌گردد (Baqai, 2011:242). در واقع گروه‌های سلفی، مبارزه سیاسی برای کسب قدرت را صرفاً از طریق کاربرد خشونت و حربه تکفیر علیه مخالفان و براندازی خشن حکومت‌ها می‌دانند، تا خلافت اسلامی را احیا و قانون شریعت را اجرا نمایند، جریان «اسلام سلفی-افراطی» تعریف می‌شوند. «ابو مصعب سوری» از چهره‌های برجسته القاعده، این جریان را به‌عنوان آمیخته‌ای از «فقه سیاسی ابن تیمیه، دعوت محمد بن عبدالوهاب، اندیشه سیاسی سید قطب و نهایتاً اصول اخوان المسلمین»، معرفی می‌کند (السوری، ۱۴۲۵: ۶۹۸). اما نقطه عطف ظهور جریان فوق به تهاجم شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ و تلاش آمریکا بر اساس تغییر توازن از طریق «جنگ نیابتی» بازمی‌گردد و طیف گسترده‌ای از جهادگران مسلمان از کشورهای مختلف برای جهاد به این کشور رفتند که به «عرب - افغان‌ها» معروف شدند (Hegghammer, 2010:62). ثمره این حضور و پیوند، وهابیت جهادی از طریق «اسامه بن لادن»، اندیشه‌های سلفی دیوبندی از طریق مدارس اسلامی پاکستان و نهایتاً اندیشه‌های سید قطب از طریق «ایمن الظواهری» و شکل‌گیری جهاد جهانی در قالب سازمان القاعده بود (Hanzel, 2005:87; gerges, 2005).

هویت‌یابی جریان سلفی افراطی و قرار گرفتن این هویت افراطی در چهارچوب‌های سازمانی و به تبع آن کنش جهادی آنان در مناطق جغرافیایی مختلف، به نحو فزاینده‌ای متأثر از ترتیبات امنیتی سطح منطقه‌ای و نظام بین‌الملل بوده است که در مقاطع مختلف با الگوهای متفاوتی خود را آشکار کرده است. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش تبیین مهم‌ترین ترتیبات امنیتی است که می‌تواند شکل‌گیری و

جهت‌یابی «افراط‌گرایی سلفی» و متقابلاً تأثیراتی که افراط‌گرایی سلفی بر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و بین‌الملل گذاشته است را نمایان سازد. به همین جهت پرسش اصلی این پژوهش آن است که: «مهم‌ترین ترتیبات امنیتی مؤثر بر گسترش افراط‌گرایی سلفی در طول مقطع پسا جنگ سرد کدام‌اند؟ و متقابلاً افراط‌گرایی چگونه بر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و بین‌الملل تأثیر گذاشته است؟» این تحقیق برای پاسخ به پرسش اصلی دربرگیرنده چندین بخش است. پس از مقدمه ابتدا به تشریح چهارچوب نظری و روشی پرداخته خواهد شد که در آن «سازهانگاری» و مهم‌ترین ابعاد ساختاری و ترتیبات امنیتی نظام بین‌الملل معاصر پسا جنگ سرد برشمرده خواهد شد. شناخت این ترتیبات امنیتی از این جهت اهمیت دارد که، هویت جریان سلفی افراطی ناشی از ادراکی است که آن‌ها از همین ترتیبات امنیتی پیدا کرده‌اند که در بخش روش‌شناسی، تحلیل محتوای کیفی سخنان رهبران سلفی افراطی برای فهم ادراک آنان معرفی می‌شود. در بخش دوم در نتیجه تعامل ساختار و کارگزار در قالب «ادراک بین‌الذهانی»، هویت‌یابی گروه‌های سلفی افراطی متأثر از وجوه ساختاری و ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و سطح نظام بین‌الملل در یک قالب موضوعی و روند تاریخی ارائه می‌گردد و این فرضیه فرعی طرح می‌گردد که؛ مؤلفه‌های نظام بین‌الملل (هنجاری، مادی، نهادی)، با تشدید برانگیختگی هویتی و ادارک مظلومیت اسلام، منجر به دگرسازی‌های خشونت‌آمیز و نقش‌یابی افراطی در قالب دو کنش جهادی و تکفیری در میان اسلام‌گرایان برای نیل به احیای خلافت شده است. در بخش سوم این موضوع بررسی می‌شود که مؤلفه‌های ساختاری نظام بین‌الملل در یک بستر تاریخی ضمن تشدید روند اسلام‌گرایی به سوی افراط‌گرایی، تغییر درون افراط‌گرایی در قالب سه نسل سلفی - افراطی را نیز موجب شده است. در بخش چهارم تلاش می‌گردد تا بخش دوم از سؤال اصلی یعنی تأثیراتی که افراط‌گرایی سلفی در طول دهه‌های پس از فروپاشی شوروی بر ترتیبات امنیتی در سطح منطقه‌ای و سطح نظام بین‌الملل گذاشته است مورد تبیین قرار گیرد. در بخش پنجم این فرضیه فرعی ارائه می‌شود که؛ «افراط‌گرایی سلفی با قوام‌بخشی به هنجارهایی جنگ علیه تروریسم در قالب تعمیق فرهنگ کانتی در میان اعضای غربی نظام جهانی، و نیز گسترش فرهنگ هابزی میان اسلام - غرب و همچنین نفی نظم

دولت - ملت در سطح منطقه‌ای، یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و جهانی‌شدن تهدید تروریسم، ویژگی هژمونیک نظام بین‌الملل موجود را قوام‌بخشیده است.»

۱. چهارچوب نظری

۱-۱. سازه‌انگاری

چهارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر «سازه‌انگاری»^۱ به‌عنوان چهارچوبی تحلیلی و فرا نظریه‌ای در حوزه ساخت اجتماعی واقعیت می‌باشد. مسئله هویت کنشگران در کانون رهیافت سازه‌انگاری قرار دارد. از این منظر هویت امری طبیعی، ذاتی از پیش موجود نبوده، بلکه هویت برساخته‌ای اجتماعی است که تحت تأثیر ساختارهای هنجاری و معنایی ساخته می‌شود، و سپس خود نیز سازنده نقش و کنش‌ها می‌شود (پرایس و اسمیت، ۱۳۸۵: ۵۱۹). یکی دیگر از موضوعات مهم در سازه‌انگاری، قوام متقابل «ساختار» و «کارگزار» است. از این منظر، میان ساختار و کارگزار رابطه سازا وجود داشته و طی یک فرایند دگرگونی هم‌بستر و هم‌کنشگر، به یکدیگر قوام می‌بخشند. مهم‌ترین نکته درباره ساختارها این است که؛ ساختارهای هنجاری و فکری به‌اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌باشند (Lupovici, 2009:213).

«ونت» در تئوری اجتماعی سیاست بین‌الملل بیان می‌کند که سرشت نظام در کل یا آنچه او فرهنگ روابط بین‌الملل می‌نامد، می‌تواند سه حالت داشته باشند: فرهنگ هابزی، لاکه و کانتی که به رفتار دولت‌ها ساختار می‌بخشند. فرهنگ لاکه که همراه با موازنه قدرت، رقابت امنیتی و جنگ‌های محدود می‌باشد به فرهنگ کانتی گذار دارد که همراه با امنیت دسته‌جمعی و حل‌وفصل اختلافات از طریق خشونت‌بار می‌باشد. رفتار بازیگران بستگی به نوع فرهنگی است که در خود درونی کرده‌اند. در فرهنگ هابزی که تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران وجود دارد، تأکید زیادی بر فاکتورهای نظامی دارد و اگر جنگی هم رخ دهد طرفین زورشان را محدود نخواهند کرد. در فرهنگ لاکه بازیگران علی‌رغم تضادهای که دارند به حاکمیت هم احترام می‌گذارند قدرت نظامی مهم است اما یک اولویت نیست (Zehfuss, 2002: 157).

۱-۲. ویژگی‌های ساختار و ترتیبات امنیتی پسا جنگ سرد

مهم‌ترین ترتیبات امنیتی در نظام بین‌الملل معاصر را می‌توان در سه شاخصه ویژگی‌های قطبی - مادی نظام، ساختار معنایی - هنجاری و ساختار نهادی جستجو نمود. در ساختار قطبی - مادی علی‌رغم تمامی اختلافات نظر موجود درباره تبیین ماهیت نظام بین‌المللی جدید که برخی به دو الگوی «تک‌قطبی» و «هژمونیک» اشاره کرده (جمشیدی، ۱۳۸۶: ۷۸۷) و برخی دیگر ضمن اشاره به فاصله قدرت‌ها آن را نظامی «تک - چندقطبی» می‌دانند و یا «بوزان و ویور» که نظام پسا جنگ سرد را «یک - چهارقطبی» معرفی می‌کنند (بوزان و ویور، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۶). اما از ویژگی‌های اصلی نظم پسا جنگ سرد این است که یکی از عوامل تعیین‌کننده نظم موجود، به تمایل و تلاش ایالات متحده آمریکا به مداخله در راستای ایجاد نظم «هژمونیک» در نظام بین‌الملل مربوط می‌شود (Brooks & Wohlforth, 2001:34).

بر این اساس مجموعه اقدامات آمریکا در جنگ اول خلیج فارس در ژانویه ۱۹۹۱ تا اشغال نظامی افغانستان و عراق در سال ۲۰۰۳ و پس از آن را می‌توان نشانه‌هایی از تلاش سازمان‌یافته آمریکا برای هژمونی در سیاست بین‌الملل دانست (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۷) که البته واجد اعمال خشونت شدید علیه جهان اسلام بوده است. به همین دلیل نیز مردم مسلمان، آمریکا را اصلی‌ترین عامل ناامنی و بی‌ثباتی در جهان اسلام تلقی می‌کنند (Zogby, 2011). از سوی دیگر هم‌زمان با هژمون‌گرایی آمریکا، خلأ فروپاشی شوروی در نظام بین‌الملل به‌طور مؤثری توسط منطقه‌گرایی (به‌عنوان شاخصه دیگر نظم جدید) نیز در حال پُرشدن است که رابطه معکوسی بین این دو الگو برقرار است (افتخاری، ۱۳۸۲: ۲۸۳). به‌ویژه در غرب آسیا پس از ۱۱ سپتامبر حضور گسترده نظامی آمریکا در قالب الگوی تک‌قطبی امنیتی صورت گرفت اما افزایش چالش‌های منطقه‌ای پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ «پایان دوران آمریکایی» را تسریع (Haass, 2006) و پس از آن در یک الگوی چندقطبی تنش ژئوپلیتیک و رقابت گفتمانی میان بازیگران داخل منطقه تعریف گردید.

دیگر مشخصه معرفی‌کننده ترتیبات امنیتی معاصر، ساختار معنایی هنجاری است. اصلی‌ترین مشخصه هنجاری نظام بین‌الملل پسا جنگ سرد در مؤلفه «لیبرال دموکراسی» تعریف می‌شود. این مفهوم قواعد حقوق ناظر به روابط بین‌الملل را بر

پایه ارزش‌های لیبرال تنظیم کرده و تلاش می‌کند خصلت شمول و فراگیری آن را گسترش دهد (میراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۴۵). ساختار هنجاری نظام بین‌الملل مبتنی بر شاخصه مفهومی لیبرال دموکراسی و همچنین الگوی جهانی شدن فرهنگی (در قالب یکسان‌سازی) منشأ خشونت علیه جهان اسلام به‌شمار می‌رود. که نتیجه آن برساختن گفتمان اسلام‌هراسی، مبارزه با تروریسم و تبدیل جهان اسلام به یک دستور سیاسی امنیتی در نظام بین‌الملل و ایجاد یک ساختار تبعیض‌آمیز علیه مسلمانان در غرب است. این امور چهره پنهان خشونت در هژمونی سیاست‌های فرهنگی را شکل می‌دهد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۷: ۷۶).

ساختار نهادی به اجزا و بازیگران اصلی تشکیل‌دهنده آن اشاره دارد. به‌ویژه اینکه در نظام بین‌الملل معاصر با افزایش چندجانبه‌گرایی، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای غیردولتی و جنبش‌های اجتماعی نقش برجسته‌ای دارند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۹۶۶) و کاهش اقتدار نهاد دولت اصلی‌ترین شاخصه محسوب می‌شود. به‌ویژه در مورد جهان اسلام ابزارهای نهادی و ذهنی تسلط دولت بر جامعه که انگیزه آن را برای تداوم سرکوب افزایش می‌داد (Esposito, 2014)، کاهش یافته و به‌محض بروز خلأ قدرت، گروه‌های افراطی شده با بسیج مردمی به صحنه می‌آیند. لذا به‌عنوان شاخصه بعدی ساختار نهادی در سطح منطقه‌ای «خلأهای امنیتی» یا اصطلاحاً «بهشت‌های امن» که دولت‌ها امکان اعمال دقیق حاکمیت را به جهت ضعف توانایی یا فاصله جغرافیایی بر آن‌ها ندارند به وجود می‌آید. نظیر: یمن، لیبی، افغانستان، سوریه، پاکستان (مناطق قبایلی)، صحرای غربی آفریقا و ... که به دلیل اختلافات، اقتدار دولت در همه مناطق گسترده نیست که این شرایط موجب ایجاد فضایی برای فعالیت افراطیون می‌شود (Sanderson & Barber & Russakis, 2015:39-40). دیگر شاخصه نهادی به فعالیت دولت‌های فرقه‌ای به‌مثابه کارگزار حمایت از تروریسم بازمی‌گردد. در این زمینه یکی مهم‌ترین بازیگران فرقه‌ای در جهان اسلام، کشور عربستان سعودی است که با حمایت آن فرقه‌گرایی به‌طور خیلی آشکار نقاط مختلف در جهان اسلام رواج یافته است (Abuza, 2003).

۳-۱. روش‌شناسی

انتخاب چهارچوب نظری سازه‌انگاری برای این پژوهش، البته منطبق با ماهیت متغیرهای این پژوهش می‌باشد. تأکیدات سازه‌انگاری بر قوام متقابل کارگزار/ساختار فرصت لازم برای درک تأثیر ترتیبات امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل بر بازیگر افراط‌گرایی را ایجاد می‌نماید. انتخاب روش تحقیق نیز بایستی متناظر با رویکرد فرانظری حاکم بر پژوهش و همچنین متناسب با موضوع پژوهش باشد. لذا به نظر روش تحقیق «تحلیل محتوای کیفی» به‌خوبی می‌تواند این شرایط را ایجاد نماید، چراکه با نگاه از درون، بر فهم شیوه‌ای که انسان‌ها جهان اطرافشان را درک می‌کنند متمرکز و به‌دنبال فهم واقعیت اجتماعی، از نگاه کنشگران است (تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۱۱). به‌عنوان تعریف تحلیل محتوای کیفی؛ تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایند طبقه‌بندی نظام‌مند، استخراج مقولات، کدگذاری می‌باشد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۰). جهت کاربرد این روش در زمینه فهم ادراک جریان سلفی - افراطی از ترتیبات امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل، آثار چهره‌های مشهور این جریان که نقش اصلی را در ایجاد، راه‌اندازی و توسعه گروه‌های افراطی بین‌الملل چون القاعده داشته‌اند، مدنظر قرار می‌گیرد. لذا «عبداله عزام»، «اسامه بن لادن»، «ایمن الظواهری»، «ابومصعب السوری»، «ابومصعب الزرقاوی»، «ابوبکر البغدادی»، «ابومحمد العدنانی» و ... که گفتار و نوشتار آن‌ها نشان‌دهنده خطوط اصلی جریان سلفی افراطی می‌باشد، جامعه آماری مدنظر هستند. برای فهم ابعاد و مؤلفه‌های این ادارک بین‌الذهانی، مجموعه‌ای از بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها، کتاب‌ها، و جملات مندرج در نشریات «دابق» و «الهام‌بخش» در قالب جمع‌آوری داده اسنادی و کتابخانه‌ای، مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تا بتوان به بازیافت معانی ذهنی جمعی آنان اقدام نمود. لذا به‌طور کلی مبانی فرا نظری این پژوهش سازه‌انگاری، رویکرد آن در بخش نخست پژوهش یعنی تبیین هویت‌یابی جریان سلفی افراطی؛ استقرایی، تفهیمی و کیفی و در بخش دوم یعنی تأثیرگذاری جریان سلفی بر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و بین‌الملل، تبیینی - توصیفی است.

۲. هویت‌یابی افراط‌گرایی سلفی

سازمان‌نگاری یک‌روند برساخته‌شدن متقابل را توصیف می‌کند که ساختار و کارگزار به شکل متقابل همدیگر را قوام می‌بخشند. برای مفهومی‌کردن رابطه ساختار با کارگزار از مفهوم «ساخت‌یابی»^۱ استفاده می‌شود که ایده وابستگی متقابل و ارتباط درونی را مطرح می‌کند. در ساخت‌یابی آنچه اهمیت دارد نوع ادراک و شکل‌گیری معانی جمعی در اذهان جریان سلفی (کارگزار) از تحولات امنیتی مرتبط با جهان اسلام در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی (ساختار) است. لذا چنانچه در روش‌شناسی اشاره شد، مجموعه‌ای از آثار چهره‌های مطرح سلفی - افراطی به‌عنوان جامعه نمونه در قالب ۳۰۰ پاراگراف، برای تحلیل محتوا استخراج و سه محور در مطالعه جامعه نمونه مدنظر قرار گرفت: وضعیت (در قالب توصیف شرایط جهان اسلام)، وظیفه (رفتار واجب) و هدف (ترسیم آینده پیش‌رو). تحلیل محتوای این متون نشان داد که در روند هویت‌یابی (ادراک، نقش، هدف و کنش) جریان سلفی افراطی می‌توان سه نسل متفاوت را مورد شناسایی قرار داد.

۲-۱. ادراک «مظلومیت و تجاوز» و کنش «جهاد همبستگی»: نسل اول سلفی افراطی؛

«گراهام فولر» و «یان لسر» بر این نکته تأکید می‌کنند که دو مضمون کلیدی بیش از همه مشخص‌کننده تصورات اسلام‌گرایان در روابط با دیگران است: «رجعت به گذشته پرشکوه تمدن اسلامی» و «احساس گسترده تحقیر مسلمانان توسط غرب» (فولر و لسر، ۱۳۸۴: ۴۹). لذا خشونت و رشد گروه‌های تروریستی معلول خشونت نظامی غرب و به‌ویژه آمریکا در جهان اسلام و تلقی بین‌الذهانی مبتنی بر «مظلومیت» مسلمانان در برابر «تجاوزگری» دشمن غربی است که بر این اساس جهاد به‌عنوان «مهم‌ترین وظیفه برای زدودن وضعیت فلاکت‌بار مسلمانان» مطرح می‌شود (Azzam, 2012; 13). متکی بر ایده سید قطب: «مسلمانان واقعی، آن‌هایی هستند که در راه اعتلای کلمه حق به جهاد مشغول‌اند» (سید قطب، ۱۳۷۲: ۳۹)، «اسامه بن لادن» و «ایمن الظواهری» سازمان القاعده را تشکیل دادند تا جریان مؤمن قرآنی تأسی‌کننده

1. Structuration

به نسل صحابه را به‌عنوان نیروی پیشتاز به‌سوی سرزمین‌هایی هدایت کند که مسلمانان در آنان تحت ستم هستند (Gunaratna, 2003:21). بر همین اساس بن‌لادن با توجه به حمله آمریکا به عراق در جنگ خلیج‌فارس، حضور نظامی در سرزمین عربستان و حمایت مستمر از رژیم صهیونیستی، در اوت ۱۹۹۶، اعلامیه «جهاد علیه آمریکایی‌های اشغالگر حرمین شریفین» و همچنین در فوریه ۱۹۹۸، «جبهه اسلامی جهانی علیه ائتلاف صلیبی یهودی» را منتشر و فتوای «کشتن آمریکاییان و متحدان آن‌ها - چه شهروندان و چه نظامیان - را به‌عنوان واجبی عینی» (bin Laden, 2004:74) اعلام کرد. بر این اساس مهم‌ترین عملیات ضد آمریکایی القاعده، در ۱۱ سپتامبر روی داد که بن‌لادن آن را به‌مثابه «نبرد موته، آغاز زوال آمریکا» (bin Laden, 2004:224) نامید. راهبرد عملیاتی القاعده نیز در قالب «مقابله به مثل» و «توازن فی الرعب» قرار گرفت (جوکار، ۱۳۹۰). بن‌لادن بر این باور بود که، می‌توان در ایجاد وحشت از طریق کشتن آمریکایی‌ها توازنی به وجود آورد که نهایتاً آمریکا را مجبور به خروج از جهان اسلام سازد و آن بر اساس فتوای «ابن قیم جوزی» که «اگر کافران، زن‌ها و بچه‌های شما را کشتند، بنابراین شما نباید از انجام مقابله به مثل شرم کنید» (bin Laden, 2004: 241)، و آن را امری شرعی و بر اساس استدلال «آنچه در یازدهم سپتامبر گذشت صورتحساب خودتان بود که مرجوع شد» (بن‌لادن، ۱۴۲۹) توجیه نمود. ایمن‌الظواهری نیز ضمن تأکید بر اینکه «نبرد بین اسلام و دشمنانش نسبت به اختلافات داخلی در اولویت قرار دارد» (Al-Zawahiri, 2001). در رساله «دستورالعمل‌های عمومی برای جهاد» که در سال ۲۰۱۳ خطاب به امیران شاخه‌های منطقه‌ای القاعده منتشر شده، آورده است: «اقدامات نظامی القاعده در وهله اول سران (بین‌المللی) کفر، آمریکا و متحدش اسرائیل و دوم متحدان داخلی‌اش را که در دیگر کشورها حاکم هستند، هدف قرار می‌دهد» (al-Zawahiri, 2013).

۲-۲. ادارک «جنگ صلیبی» و کنش «جهاد مکانی»: نسل دوم سلفی

افراطی

دیگر شاخصه برانگیختگی هویتی که منجر به تشدید افراط‌گرایی در آن شد، به ادارک بین‌الذهانی سلفی‌ها از تحولات منطقه‌ای پس از ۱۱ سپتامبر بازمی‌گردد.

به‌گونه‌ای که صحنه جنگ در عراق از سوی جریان سلفی به‌عنوان جنگ صلیبی سوم و یک نبرد تاریخی آخرالزمانی مورد فهم قرار گرفت که همه اسلام مورد هجوم قرار گرفته است. اما آنچه باعث فهم فوق‌گردید، شکل‌گیری یک نظام دموکراتیک با اکثریت شیعی در عراق بود که در جهت تضعیف اعراب سنی و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران تلقی می‌شد (Beehner, 2006). در نتیجه این انگاره‌پردازی، تصوراتی همچون «اشغال عراق توسط رافضیان»، «همدستی ایران با کفار آمریکایی علیه اهل سنت در عراق» و ... با شبیه‌سازی جنگ‌های صلیبی مطرح گردید (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۸). مهم‌ترین چهره سلفی افراطی مؤثر در عراق «ابومصعب زرقاوی» بود که ضمن بیعت با بن‌لادن، چندین گروه و نهایتاً «دولت اسلامی عراق» به‌عنوان شاخه القاعده در عراق را تأسیس کرد که به‌دلیل برخورداری از یک شبکه گسترده برای جذب و استخدام افراد در سطح بین‌المللی، به‌سرعت رشد کرد (Lister, 2014: 9). وی سخنرانی‌های مشهوری با عنوان «هل اتاک حدیث الرافضه» ایراد و ضمن تأکید بر خیانت‌های تاریخی شیعیان به اهل سنت اعلام کرد «پیروزی بر کافران متجاوز نظیر یهودیان و مسیحیان امکان‌پذیر نخواهد بود مگر اینکه ابتدا جهاد علیه شیعیان صورت گیرد» (الزرقاوی، ۱۴۲۷: ۱۱). لذا حملات القاعده در عراق با الگوی غالب عملیات انتحاری، عمدتاً متوجه نهادهای دولتی و اهداف سیاسی نظیر احزاب شیعی، اهداف شهری نظیر تجمعات و مراکز شیعی گردید (مهربان، ۱۳۸۷: ۵۰). این اولویت‌دادن به جهاد علیه شیعیان، اصلی‌ترین تفاوت راهبردی میان القاعده عراق به‌عنوان نسل دوم سلفی افراطی با سازمان القاعده مرکزی به‌عنوان نسل اول بود (Bar & Minzili, 2006: 41). در کنش تکفیری، «جهاد مکانی» با «دشمنان نزدیک» با استناد به آیه: «أَمْنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» (قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۲۳) در دستور کار قرار گرفت. به همین علت نسل دوم سلفی افراطی (القاعده در عراق، جبهه النصره سوریه و ...) نسل سوم سلفی افراطی در قالب خلافت اسلامی داعش، ضمن تکفیر شیعیان به دلیل اعتقاد به شفاعت، توسل، زیارت و ...، در یک بازسازی تاریخی آن‌ها را همکار دشمنان در جنگ‌های صلیبی نیز تصور کرده و به‌طور فزاینده‌ای تمرکز خودشان را بر انجام حملات علیه «دشمن نزدیک» قرار دادند (Lister, 2014: 1-3). آمارها نیز نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ در حالی که عملیات در عراق، علیه دشمن

آمریکایی تقریباً ثابت (حدود ۱۰ عملیات در سال) بوده است، اما عملیات تروریستی علیه اهداف داخلی (دولت، گروه‌های سیاسی و مردم شیعه) به روندی افزایشی (بیش از ۹۰۰ مورد در هر سال) رسیده است (Jones, 2014: 36).

۲-۳. ادارک «هجرت و تکفیر» و کنش «خلافت»؛ نسل سوم سلفی افراطی

در ادامه رقابت منطقه‌ای که از زمان اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ آغاز شده و در انقلاب‌های عربی تشدید گردید؛ کنش کشورها برای تغییر توازن، معطوف به استفاده از بازیگران هویتی در قالب «منازعه نیابتی» جهت نفوذ در نظام‌های سیاسی دولت‌های ضعیف منطقه بود (Gause, 2014:12). در این فرایند، گروه‌های سلفی به‌عنوان ابزار کنش سیاسی بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ ایفای نقش کردند، آنان در دغدغه مقابله با ایران به‌عنوان دشمن اصلی با کشورهای عربی و غربی هم‌راستا بودند. لذا به‌ویژه اعتراضات در سوریه وضعیت خشونت‌آمیز پیدا کرد چراکه اولاً مخالفت‌های سیاسی به ورطه درگیری فرقه‌ای بین سنی و علوی کشیده شد و ثانیاً حمایت خارجی نامتوازی به نفع گروه‌های سلفی افراطی صورت گرفت (Lund, 2012). همین فرایند منجر به ظهور داعش به‌عنوان «نسل سوم سلفی افراطی» گردید که پس از تصرف شهر موصل در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴، تشکیل «خلافت اسلامی» با هدف «پایان قرارداد سایکس-پیکو» را اعلام کرد (Lister, 2014:15) داعش آن‌چنان‌که نشریه دابق بیان می‌کند؛ «خواستہ قلبی مجاهدین از زمان آغاز جهاد در این قرن را که همواره احیای خلافت بوده، به‌عنوان فرصتی برای اتحاد امت تحت اقتدار خلیفه جامه عمل پوشانده است» (Issue1 & Dabiq, 1435: 41). لذا داعش برعکس رویکرد جنبشی القاعده، اساساً به‌دنبال سرزمینی در عراق و سوریه برای ایجاد دولت و هسته‌ای اولیه برای خلافت اسلامی فراملی است (Friedman, 2014).

فراتر از اعلام خلافت، اما در مورد داعش یک ویژگی بسیار مهم دیگر نیز وجود دارد که متأثر از ساختارهای معنایی نظام بین‌الملل بوده است و آن حضور مسلمانان اروپایی در داعش بوده است. در تبیین این موضوع به اعتقاد «اولیور روی»؛ افراط محصول «سرزمین‌زدایی از اسلام» است، یعنی آحاد جوانان مسلمان ساکن در غرب ریشه‌های فرهنگی خود را از دست داده‌اند (روا، ۱۳۸۷: ۱۸-۲۷) و همین بی‌هویتی در

شرایط تبعیض اجتماعی ریشه افراط است که «نه ربطی به دین دارد و نه به سیاست، بلکه مسئله‌ای نسلی مرتبط با مسلمانان نسل دوم مهاجر به غرب است» (Roy, 2016). ویژگی برجسته داعش یارگیری فزاینده از میان همین جوانان اروپایی است که به گزارش «سوفان گروپ» از ۸۱ کشور جهان (Barret, 2014:23) صورت گرفته که طبق اطلاعات «آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا» حدود ۳,۰۰۰ نفر آن‌ها اروپایی و آمریکایی هستند (Sanderson & Barber & Russakis, 2015:55). جذابیت داعش در کنار ترسیم خلافت اسلامی، آن است که بر عنصر هجرت در رسانه‌های خود به شدت تبلیغ می‌کند. نظیر حدیثی به نقل از «ابوذر غفاری» که در نشریه دابق آمده است؛ «این وعده خداوند است که بزرگ‌ترین جمعیت مهاجر تاریخ اسلام در سرزمین شام برای یاری دولت اسلامی گرد هم می‌آیند» (Issue & Dabiq, 1435:5-9).

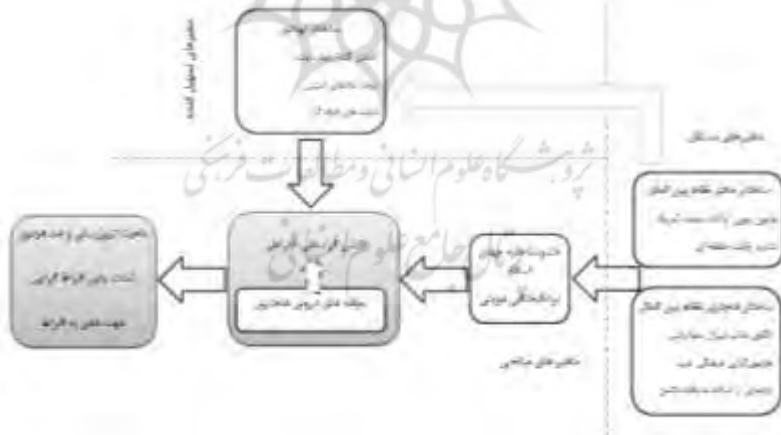
ویژگی دیگر کنش داعش تمرکز بر جهاد مکانی علیه شیعیان است. چه اینکه؛ «ابومحمد العدنانی» سخنگوی پیشین داعش؛ روش برخورد با شیعیان را نقطه اصلی اختلاف این گروه با القاعده عنوان می‌کرد که القاعده معتقد به موعظه شیعیان، اما داعش به دنبال جنگ با آن‌هاست (Al-Adnania, 2014). البته نسل سوم سلفی افراطی همچنان عملیات علیه اهداف غربی را نیز در دستور کار دارد، به‌ویژه بر اساس راهبرد «النصر بالعرب» حملات علیه شهروندان و امکان عمومی در کشورهای غربی از طریق شناسایی و جذب «گروگ‌های تنها» (افراد دارای تمایلات افراط‌گرایانه، اما تنها و سازمان‌نیافته) و استفاده از آن‌ها برای انجام اقدامات تروریستی در کشورهای غربی است. به همین دلیل «ابومحمد العدنانی»، از مسلمانان در جوامع غربی خواست تا «منتظر فتوای هیچ‌کسی نباشند ... کافر را یافته و مغزش را در سنگ‌فرش خیابان بریزند»؛ چراکه «حکم کافران یکی است. چه غیرنظامی و چه نظامی، همه بی‌ایمان هستند» (Al-Adnani, 2014).

۳. ترتیبات امنیتی بین‌المللی و تحول سه‌گانه (ماهیت، شدت، جهت)

افراط‌گرایی

۳-۱. ماهیت تروریستی و ضد هژمون

در دوران بعد از جنگ سرد جنگ طلبی آمریکا با محاصره عراق در جنگ خلیج فارس، تقویت نظامی گری در عربستان، دخالت نظامی در سومالی ۱۹۹۳، پشتیبانی مستمر از ادامه اشغال فلسطین و جنوب لبنان توسط اسرائیل و ... احساسات ضد آمریکایی توده‌های مسلمان طی دهه ۱۹۹۰ را تحریک کرده بود. البته فشارهای نظام بین‌الملل به جهان اسلام که منجر به ادراک افراطی گردید دارای ابعاد هنجاری نیز بوده است. چراکه برداشت غالب در جوامع مسلمان از فرایندهای جهانی شدن، در واقع غربی شدن و گسترش فرهنگ آمریکایی است (Najjar, 2005: 91؛ Rabi, 2000: 27). لذا با توجه به شرایط ساختاری در منطقه و سطح نظام بین‌الملل می‌توان دو خصوصیت کلی برای عموم گروه‌های افراطی مذهبی و به‌ویژه سازمان القاعده ذکر کرد: اول این که دکترین آن‌ها در پاسخ به تهدیدات سیاسی قدرت هژمون شکل و حالتی تروریستی به خود می‌گیرند؛ دوم، رویکرد این گروه‌ها و تبلیغات آنان برای جذب نیرو، توجیه اقدامات و ... با ادله‌های مشروعیت‌بخش دینی ارائه می‌شود (Ashraf, 2004: 32). در واقع برداشت القاعده مبتنی بر مظلومیت مسلمانان در برابر هجوم فرهنگی و فشارهای مادی و تهدید امنیت مسلمانان در ترتیبات امنیتی نظام معاصر آنان را به موازنه سخت با نظام حاکم بین‌الملل کشاند.



شکل شماره ۱: متغیرهای مستقل و تسهیل‌کننده ترتیبات امنیتی در سطح نظام بین‌الملل در

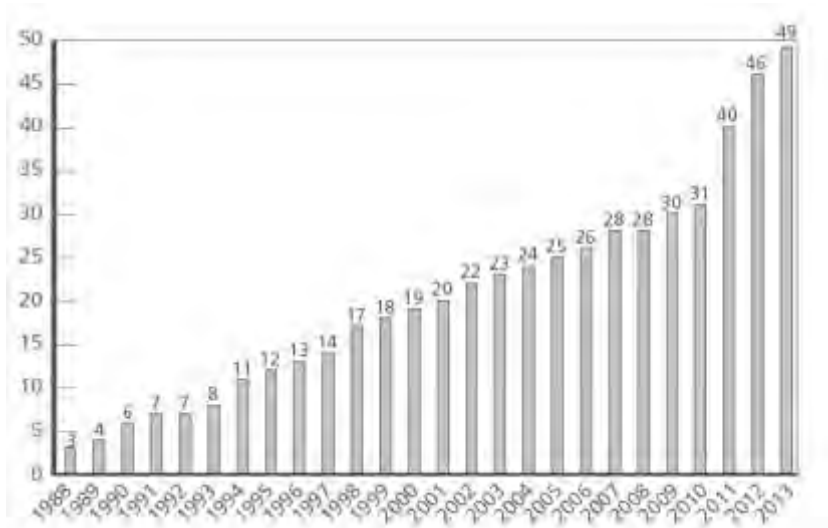
تثبیت در ماهیت تروریستی، شدت و جهت افراط‌گرایی سلفی

۳-۲. تشدید و پراکندگی افراط‌گرایی در گستره جهانی

مؤلفه دیگر متأثر از ترتیبات امنیتی معاصر، بین‌المللی‌شدن و تشدید جهاد است. در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ به‌واسطه تجاوزات ناشی از نظام بین‌الملل جدید و هژمون‌گرایی آمریکا در بحران‌های عراق، چین، بوسنی، فلسطین و ... به شیعی یکنواخت بر تعداد گروه‌های سلفی و جهادی افزوده شده است. به‌عنوان مثال موضوع افراط‌گرایی در پاکستان پس از سال ۲۰۰۱ نیز افزایش چشمگیری داشته است، به‌گونه‌ای که در این سال تعداد ۲۴ سازمان فرقه‌ای با گرایش افراطی در این کشور وجود داشت اما طی ۶ سال پس از آن فقط در مناطق قبایلی بیش از ۵۰ گروه افراطی قابل شناسایی بوده، که مهم‌ترین آن‌ها طالبان پاکستان است (محبوبی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

تعداد حملات انتحاری در پاکستان از ۱ حمله در سال ۲۰۰۲ به بیش از ۹۰ حمله در سال ۲۰۰۹ رسید. (Chicago Project, 2016) سپس اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، سبب تمرکز افراط‌گرایانی که از افغانستان پراکنده شده بودند در عراق و تبدیل‌شدن عملیات انتحاری به‌عنوان شیوه غالب جهاد گردید (Pape & Feldman, 2010: 150). در کشور سومالی نیز همین حضور و مداخله نیروهای خارجی از جمله عوامل مؤثر در انتخاب رفتار خشونت‌آمیز از سوی گروه‌های اسلام‌گرا بوده است. از میان این گروه‌ها، الشباب سومالی از جمله برجسته‌ترین گروه‌های تروریستی می‌باشد که به‌عنوان بازوی نظامی «دادگاه‌های شریعت اسلامی» در اواسط سال ۲۰۰۴ شکل گرفت (مسعودنیا و فروغی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). همچنین در سال ۲۰۰۹ شاخه «القاعده در شبه‌جزیره»^۱ به‌عنوان یک نقطه عطف سازمانی در القاعده به تأسیس شد. این گروه از زمان تأسیس خود در سال ۲۰۰۹، سه بار به‌طور مستقیم ایالات‌متحده آمریکا را تهدید کرده است. انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ دیگر مقطعی است که به‌واسطه کاهش حاکمیت دولت‌های اقتدارگرا باعث آزادی عمل گروه‌های سلفی در گستره وسیعی از کشورهای اسلامی گردید. لذا همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشخص است تعداد گروه‌های سلفی - جهادی متعاقب انقلاب‌های عربی به یک‌باره رشد کرده است. همچنین آمارهای دیگر نیز نشان می‌دهد تعداد پیکارجویان سلفی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ بیش از سه برابر شده است (Jones, 2014: 27).

1. The Al-Qaeda in the Arabian Peninsula- AQAP



شکل شماره ۲: رشد تعداد گروه‌های سلفی-جهادی در سال‌های بین ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۳ منبع:

(Jones, 2014: 27)

یکی دیگر از شاخصه‌های تشدید کنش، جهادی موضوع «جهادگران خارجی» است، که در واقع نتیجه فرعی گسترش تنازعات منطقه‌ای در جهان اسلام است. طبق نتایج مطالعات آماری، حدود ۱۵ هزار جنگجو و مبارز خارجی از حداقل ۹۰ کشور مختلف که به استخدام یا عضویت گروه‌های مختلف سلفی جهادی درآمده‌اند که در سوریه و عراق فعالیت دارند. لذا جنگ داخلی سوریه سقف ورود جنگجویان خارجی برای جهاد را نسبت به میزان قبلی در جنگ افغانستان - با تعداد ۱۲ هزار نفر- شکسته است (Barret, 2014: 23).

۳-۳. جهت‌دهی عملیاتی به افراط‌گرایی

به نظر می‌رسد هرچند ساختارهای مادی و هنجاری نظام بین‌الملل به‌عنوان عوامل مستقل در تعیین ماهیت و شدت‌گیری افراط‌گرایی به‌شمار می‌رود، اما آنچه نهایتاً جهت حرکتی گروه‌های افراطی را مشخص می‌سازد وجود شاخصه «خلأ امنیتی» در مناطق جغرافیایی است. این شاخصه نیز کاملاً در پیوند با ترتیبات امنیتی متأثر از قدرت هژمونیک آمریکا قرار دارد. لذا رشد گروه‌های سلفی افراطی، از این منظر هم قابل تحلیل است که در مقاطع مختلف بحران در یک واحد جغرافیایی که دچار خلأ

امنیتی‌شده و جذابیت ایدئولوژیک برای جریان سلفی داشته است، بستری برای توسعه گروه‌های جهادی بوده است. بحران سوریه مقطعی بود که باعث رشد گروه‌های سلفی جهادی شد که البته در این مورد خواست هژمون و قدرت‌های هم‌سوی منطقه‌ای عامل اصلی در انتخاب این کشور و شروع بحران بوده است. حتی در نگرش راهبردی گروه‌های افراطی نیز به جهت ضعف نظامی و عملیاتی، حمله به نقاط آشوب به‌عنوان یک ضد راهبرد مطرح می‌شود. به‌گونه‌ای که «ابومصعب السوری» تأکید می‌کند که «طرف ضعیف نمی‌تواند خالق راهبرد باشد. لذا بهتر است راهبرد متناسب با شرایط تغییر کند» (السوری، ۱۴۲۵: ۱۱۱۴). بنابراین انتخاب جغرافیای عملیاتی بیش از آنکه ناشی از انتخاب افراط‌گرایان و تفکرات مذهبی آنان باشد، اقتضایی و فرصت محور است که کاملاً در جهت خواست هژمون قرار دارد.

۴. تأثیر کارگزار سلفی افراطی بر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی

۴-۱. تحکیم نظم هژمونیک

یازده سپتامبر اصلی‌ترین کنش افراط‌گرایان سلفی با هدف مجبور کردن آمریکا برای خروج از جهان اسلام با استفاده از ابزار موازنه وحشت بود. در واقع به نظر می‌رسد کارگزار افراط‌گرایی (القاعده) پس از یک دوره چندساله تعامل و سپس تخاصم با آمریکا که با آزادی عمل نسبی آنان همراه بود، به دنبال وارد کردن ضربه آخر بر قدرت متجاوز آمریکا بود که بن‌لادن آن را مانند نبرد «موته» در صدر اسلام ارزیابی می‌کرد که «منجر به زوال قدرت آمریکا و حتی غرب کافر می‌گردد» (Bin Laden, 2004: 224) اما این حملات موجب شد غرب از این فضا استفاده کرده و تمام اسلام را به‌صورت تروریستی، جهادی و رادیکال و بنیادگرا نشان دهد. این حملات بهانه عینی و مشروعیت ذهنی لازم برای سیاست مبتنی بر «تفوق» در نظام بین‌الملل را فراهم ساخته و همچنین حرکت به سمت اهداف ژئوپلیتیکی به‌گونه‌ای که موجب تسهیل ایجاد نظم هژمونیک جهانی شود (تخسید و نوریان، ۱۳۸۷). عملیات تروریستی یازده سپتامبر باعث گردید آمریکا با در نظر گرفتن چالشگران اصلی این کشور، (بازیگران فراملی برخوردار از قدرت نامتقارن)^۱ سیاست اشاعه ارزش‌ها به‌گونه‌ای تهاجمی

1. Asymmetric Power

پیگیری نماید (دهشپار، ۱۳۸۴: ۹۵-۹۸)؛ (Miller, 2006: 18). به همین جهت گفته شده است که اشغال نظامی عراق نقطه اوج هژمون جویی ایالات متحده بود به گونه‌ای که برخی این جنگ را باعث تغییر ساختار نظام بین‌الملل پسا جنگ سرد از «هژمونیک منعطف» به «هژمونیک غیر منعطف و استبدادی» ارزیابی کردند (قاسمی، ۱۳۸۵: ۷۰). اما بر این اساس پیروزی باراک اوباما در انتخابات سال ۲۰۰۸، نشان‌دهنده فاصله گرفتن نظام بین‌الملل از هژمونیک‌گرایی تهاجمی آمریکا به سوی عرصه جدیدی بود که به تعبیر کیسینجر در چهارچوب «دیپلماسی کنسرت» قرار داشت. دورانی که هیچ قدرت برتر جهان در آن وجود ندارد یا اگر وجود دارد برای برقراری ثبات خویشتن‌داری می‌کند تا همکاری لازم بین قدرت‌های بزرگ برای اجرای قواعد و هنجارهای بین‌المللی شکل بگیرد (Kissinger, 2009).

۲-۴. جهانی شدن امنیت مبتنی بر تهدید نامتقارن تروریسم

«دیوید راپاپورت»، در تبیین «چهار موج تروریسم»، تروریسم افراطی القاعده را تحت عنوان موج چهارم تروریسم مدرن، یعنی تروریسم مذهبی، می‌نامد که از نظر وی پس از سه موج «آنارشستی» با محوریت ترور، «موج ضد استعماری» به وسیله حمله به اهداف نظامی در دهه‌های ابتدای قرن بیستم، اواخر دهه ۱۹۶۰، «موج چپ جدید» با تمرکز بر هواپیما ربایی، به وجود آمده است. از نظر وی موج تروریسم مذهبی با مشخصه عملیات انتحاری شناخته می‌شود (Rapaport, 2002). همچنین با ورود شورای امنیت در صدور قطعنامه‌های ضد تروریسم بعد از سال ۲۰۰۱، گفتمان اسلام سلفی، به‌طور رسمی امنیتی و مسئله‌ای در چهارچوب صلح و امنیت بین‌المللی شد. (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۸۹-۱۹۱) اما آنچه به‌عنوان تأثیر گروه‌های سلفی افراطی بر مفهوم تروریسم و جدیت پیدا کردن تهدید آن می‌توان گفت این است که تروریسم جدید اولاً به لحاظ مرتکبان و سازمان‌دهی، طبیعتی فراملی دارد؛ ثانیاً مبتنی بر نوعی الهام و افراط‌گرایی مذهبی است؛ ثالثاً تروریست‌های جدید به سلاح‌های کشتار جمعی دسترسی دارند و هدفشان حمله به بیشترین مردم ممکن است و رابعاً آن‌ها قربانیان خود را به‌دقت انتخاب و دست‌چین نمی‌کنند، بلکه آن‌ها را به‌صورت غیر تبعیض‌آمیز برمی‌گزینند (Duyvesteyn, 2007: 439-440). با توجه به فرایندهای تهدید امنیتی در

نظام بین‌الملل منبعث از اسلام سلفی افراطی، می‌توان «منازعه نامتقارن» را به‌عنوان اصلی‌ترین الگوهای تعارض در نظام بین‌الملل جدید مورد شناسایی قرار داد. منازعه‌های نامتقارن جلوه‌ای از کنش مبتنی بر قدرت نابرابر بازیگران سیاسی و امنیتی محسوب می‌شود که بر این شرایط، کنشگران هویت‌گرا برای مقابله با تهدیدهای قدرت‌های بزرگ و بازیگران مؤثر منطقه‌ای، از انگیزه و ابتکار عملیاتی بیشتری برخوردار خواهند بود (متقی، ۱۳۹۰: ۵۱). در این میان شاید بتوان حوادثی نظیر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیویورک و ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ پاریس را به‌عنوان درک جدید از تحولات سیاست جهانی بر اساس نقش‌یابی بازیگران پیرامونی به‌ویژه نیروهای هویتی دانست. دو حادثه یادشده که به فاصله ۱۴ سال از یکدیگر اتفاق افتاده را می‌توان شکل جدیدی از «جنگ نامتقارن» در فضای «امنیت آشوب‌زده» دانست. (Wood & Murrow, 2015: 6).

۴-۳. آشوب منطقه‌ای هویت‌پایه و تضعیف الگوی دولت - ملت

حوزه دیگر تأثیرگذاری کارگزار سلفی افراطی بر ترتیبات امنیتی در سطح منطقه‌ای به نهاد دولت بازمی‌گردد. این مسئله در جهان اسلام و منطقه عربی بیش از سایر نقاط قابل مشاهده است. در مقطع اخیر ظهور داعش و اشغال ناگهانی موصل توسط این گروه در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴، باعث گردید تا به‌سرعت شکاف‌های قومی و مذهبی، تبدیل به مناقشات سرزمینی گردد. چه اینکه «ابوبکر البغدادی» رهبر داعش در روز بیست و یکم ژوئن ۲۰۱۲ بر «اهمیت به کار بستن قانون شریعت، متحدساختن علما با از بین بردن مرزهای قراردادی، ریشه‌کن‌سازی ملی‌گرایی کثیف و اشکال دیگر وطن‌پرستی و اعاده یک دولت اسلامی که مرزهای ساختگی را به رسمیت نمی‌شناسد و به هیچ ملیتی جز اسلام معتقد نیست» تأکید کرد (Moniquet, 2013: 12). عملکرد افراط‌گرایی نیز بر گسترش این مناطق جغرافیایی فاقد قدرت مرکزی برای ایجاد «بهشت‌های امن» تأثیر گذاشته است. درواقع گروه‌های سلفی افراطی مرتباً به فعالیت‌های رو به تحول خود ادامه داده و در همین راستا حکومت‌های ضعیف را تهدید می‌کنند و مردم در جوامع مختلف به‌ویژه مسلمان که به‌طور فزاینده‌ای در اثر بحران‌های اقتصادی و شکاف‌ها و اختلافات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

قطب‌بندی و دچار انشقاق می‌شوند را به افراطی‌گرایی دعوت و سوق می‌دهند. و نهایتاً این مبارزان که عمدتاً در کوه‌ها و یا صحراها پنهان شده‌اند موجب بی‌ثباتی دولت‌ها می‌شوند (Malka & Lawrence, 2013). به‌عنوان مثال: حمله آمریکا به عراق و نابودی حکومت بعثی این کشور شرایط را برای حضور القاعده فراهم کرد. منطقه غرب آفریقا و سواحل اقیانوس آرام نیز در دهه گذشته به سبب بی‌ثباتی و عدم کنترل دولتی به مأمّن افراط‌گرایی و تروریسم تبدیل شده است. «القاعده در مغرب اسلامی» هدف خود را تأسیس یک امارت اسلامی در صحرای بزرگ که از مرز موریتانی و الجزایر تا سرحدات چاد امتداد دارد، اعلام کرد (Moniquet, 2013: 22). گروه «بوکوحرام» نیز در نیجریه توانسته است بحران اقتدار دولت مرکزی را ایجاد نماید.

۴-۴. همگرایی کانتی در مجموعه امنیتی غرب - فرهنگ هابزی علیه اسلام

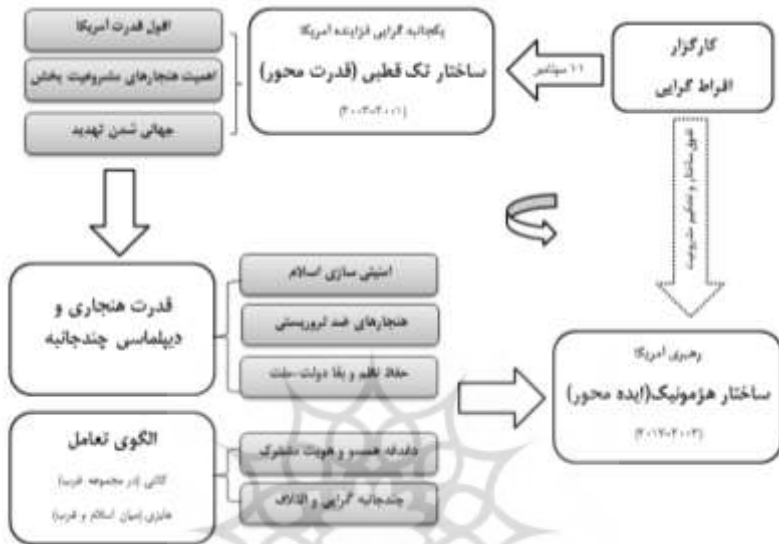
افراط‌گرایی با خلق حادثه ۱۱ سپتامبر و تحولات پس از آن، باعث گردید تا دوقطبی‌سازی جهان به دو محور خیر و شر مبنای دستور کار مبارزه با تروریسم قراربگیرد. اما دستور کار مبارزه با تروریسم فراتر از یک راهبرد امنیتی در سطح سیاست بین‌الملل اساساً به گفتمانی تبدیل گردید که بر اساس آن رویه‌های بین‌المللی در حوزه هویتی و هنجارهای تعاملی بین بازیگران را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. در سطح نخست تشدید رقابت و منازعه در سطوح ملی در کشورهای همچون عراق، سوریه، سومالی، یمن و ... نشان می‌دهد که افراط‌گرایی سلفی و همچنین برخی شورش‌های ناشی از گروه‌های هویت‌گرا که باعث بروز آشوب منطقه‌ای می‌شوند در تقابل و ستیزش با الگوی حاکم دولت‌محوری نظام بین‌الملل قرار دارند. در سطح دوم تشدید تنازع گفتمانی بین «اسلام‌گرایی» به‌طور کل و «لیبرالیسم» از ویژگی‌های فرهنگی نظام بین‌الملل است که منجر به قطب‌بندی در ساختار مادی نظام بین‌الملل میان مجموعه امنیتی غرب به‌عنوان جریان موافق وضع موجود با جریان افراط‌گرایی به‌عنوان چالشی در برابر نظم مستقر می‌گردد. اما فراتر از این مسئله و در سطح سوم اصولاً با امنیتی‌شدن اسلام، نوعی جنگ فرهنگی میان اسلام و غرب نیز قابل مشاهده است. به‌گونه‌ای که طبق تحلیل هانتینگتون، جنگ

تازه بین اسلام افراطی و آمریکا شباهت بسیاری با دوران جنگ سرد دارد. دشمنی با مسلمانان، آمریکایی‌ها را تشویق می‌کند تا هویت خود را به لحاظ سیاسی و آرمانی تعریف نمایند (هانتینگتون ۱۳۸۴: ۴۹۱). متناظر با تشدید فرهنگ هابزی ستیزش‌محوری در یک سطح و تعاملات همکاری‌جویانه در سطح دیگر و بین کشورهای غربی افزایش می‌یابد. وجود تهدید تروریسم سلفی موجب گردید تا ایالات‌متحده آمریکا بتواند مشروعیت لازم برای کنشگری نظامی و همراه‌سازی کشورهای مختلف را در قالب ائتلاف‌های سیاسی و نظامی فراهم آورد. این شرایط راهبرد ائتلاف مبتنی بر فرهنگ لاکی (همکاری جویی برای امنیت و منفعت دسته‌جمعی) را پیش‌روی بازیگران قرار می‌دهد که تاکنون در ۴ بحران؛ جنگ اول خلیج‌فارس (۱۹۹۰)، جنگ علیه تروریسم در افغانستان (۲۰۰۲)، جنگ علیه عراق (۲۰۰۳) و ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در (۲۰۱۴) به کار گرفته شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

چنانچه گفته شد، افراط‌گرایی در دوران پسا جنگ سرد تأثیری دوگانه بر ترتیبات امنیتی نظام بین‌الملل داشته است؛ از یک سو فرصت، بهانه و شرایط لازم را برای حرکت نظام بین‌الملل پسا جنگ سرد از حالت گذار به سوی یک نظم تک‌قطبی یا سلسله‌مراتبی دستوری فراهم ساخت (یزدان‌فام، ۱۳۸۷: ۷۷۵). اما از سوی دیگر تشدید مسئله افراط‌گرایی و وقوع بحران‌های پیاپی ناشی از افراط‌گرایی و کنش تهاجمی آمریکا در مناطق مختلف جغرافیایی جهان باعث افول قدرت آمریکا و نظم تک‌قطبی مدنظر او گردید. بر همین اساس آمریکا در نظام بین‌الملل پسا جنگ سرد همواره دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بین «رهبری» و «سلطه» بوده است. به‌ویژه در سال‌های اخیر به نحوی درصدد دوری از «هژمونی سلطه‌گر» و ایفای نقشی «رهبری» برای دولت هژمون آمریکا می‌باشد (قریب، ۱۳۹۰: ۴۷). بازنمایی و تشدید مکرر و ادواری تهدید افراط در یک‌روند طولانی‌مدت، باعث گردید تا فهم مشترکی از آسیب‌های پیش‌روی نظم و ثبات بین‌الملل ایجاد گردد. این نظم ایده محور که چهارچوب رفتار بازیگران بین‌المللی اعم از دولتی و غیردولتی را تعریف می‌کند، مبتنی بر یکسری هنجارها، رویه‌ها، الگوها، قوانین و معیارهایی است که بازیگر مسلط

جهانی، تدوین، توجیه و پیاده‌سازی آن‌ها را به لحاظ ضرورت تأمین منافع ملی خود هدایت می‌کند. البته قدرت به این معنا نیست که یک دولت توانایی خودش را در هر زمان و هر روش به کار گیرد (رضایی، ۱۶۳: ۱۳۸۸).



شکل شماره ۳: روند مفهومی تأثیرگذاری کنشگر سلفی افراطی بر قدرت هژمونیک در نظام

بین‌الملل

بر اساس تحلیل سازه‌انگاری، کارویژه قواعد تبدیل عوامل مادی قدرت به منابع است. برخورداری آمریکا از منابع قدرت مادی، ترسیم تهدید اسلام در فضای هنجاری بین‌الملل و ... باعث گردید تا این کشور ظرفیت‌های بیشتری در ایجاد قواعد و هنجاری‌های بین‌المللی نظیر گفتمان جنگ علیه تروریسم، حمله پیش‌دستانه و ... بیابد. هرچند دوران هژمون‌گرایی سخت آمریکا که می‌توان آن را مقطعی تک‌قطبی در نظام بین‌الملل نامید به جهت هزینه‌های جنگ عراق و افغانستان دچار فرسایش گردید، اما روند حرکتی آمریکا در قالب چندجانبه‌گرایی و تحقق نظام هژمونی در گستره بین‌الملل تداوم یافت. بنابراین جهت تبیین تأثیر کنشگر افراطی بر ساختار بین‌الملل در بازه زمانی پساجنگ سرد می‌توان گفت: «کنش افراط‌گرا ضمن اینکه با تحمیل خود در مقطع ۱۱ سپتامبر باعث تغییر نظام بین‌الملل از شرایط در حال گذار به تک‌قطبی گردید. اما به‌طور کلی منجر به اتخاذ راهبرد ائتلاف (الگوی لاکه در

مجموعه امنیتی غرب) گردید که محصول تلاش آمریکا برای ایجاد و تثبیت قدرت هژمونیک خود در نظام بین‌الملل (ساختار مادی) بوده و البته به دلیل برخورداری آمریکا از منابع قدرت و تبدیل آن به قواعد، واجد ابعاد پیرنگ هنجاری و ارزشی برای جنگ علیه تروریسم و تهدید انگاری علیه اسلام (ساختار هنجاری) نیز می‌باشد. نتیجه همه این تحولات تحکیم و مشروعیت‌بخشیدن به یک نظم هژمونیک در سطح بین‌الملل است.»

نتیجه‌گیری

هدف اصلی در این پژوهش تبیین مهم‌ترین ترتیبات امنیتی بود که می‌تواند شکل‌گیری و جهت‌یابی «افراط‌گرایی سلفی» را نشان‌داده و متقابلاً تأثیراتی که افراط‌گرایی سلفی بر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و بین‌الملل گذاشته است را مشخص کند. به همین دلیل در ابتدای مقاله بر اساس مبانی فرا نظری سازه‌انگاری؛ شاخصه‌های کارگزاری افراط‌گرایی و شاخصه‌های ساختاری و ترتیبات امنیتی در سطوح منطقه‌ای و نظام بین‌الملل مورد تحلیل قرار گرفت.

در گام دوم بر اساس تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته از مجموعه متون سخنان، پیام‌ها، کتاب‌ها و ... رهبران سلفی افراطی، ادراک بین‌الادھانی گروه‌های افراطی از ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی استخراج گردید. نتیجه در قالب یک‌روند تاریخی/هویت‌یابی از سه نسل جریان سلفی افراطی توصیف گردید. به گونه‌ای که ترتیبات امنیتی در سطح منطقه‌ای و در نظام بین‌الملل (هنجاری، مادی، نهادی)، با تشدید برانگیختگی هویتی و ادراک مظلومیت اسلام، منجر به دگرسازی‌های خشونت‌آمیز و نقش‌یابی افراطی در قالب دو کنش جهادی و تکفیری در میان اسلام‌گرایان برای نیل به احیای خلافت شده است.

به‌عنوان اصلی‌ترین شاخصه‌های تأثیرگذاری ترتیبات امنیتی معاصر نیز به تأثیرات سه‌گانه (ماهیت، شدت، جهت) اشاره گردید. پس از بررسی تأثیرات ترتیبات امنیتی بر کارگزار سلفی، به بخش دوم پرسش اصلی یعنی «افراط‌گرایی چگونه بر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و بین‌الملل تأثیر گذاشته است؟» پرداخته شد. کنش افراط‌گرایی به‌طور کلی منجر به اتخاذ راهبرد ائتلاف (الگوی لاکی در مجموعه امنیتی

غرب) گردید که محصول تلاش آمریکا برای ایجاد و تثبیت قدرت هژمونیک در نظام بین‌الملل (ساختار مادی) بوده و البته به دلیل برخورداری آمریکا از منابع قدرت و تبدیل آن به قواعد، واجد ابعاد پررنگ هنجاری و ارزشی برای جنگ علیه تروریسم و تهدید انگاری علیه اسلام (ساختار هنجاری) نیز می‌باشد.

در سطح منطقه‌ای نیز، افراط‌گرایی سلفی تأثیرات خود را در آشوب منطقه‌ای و تضعیف الگوی دولت - ملت نشان داده است. اما مهم‌ترین تأثیر افراط‌گرایی بر ترتیبات امنیتی سطح نظام، تحکیم و مشروعیت‌بخشیدن به یک نظم هژمونیک در سطح بین‌الملل است. بنابراین می‌توان فرضیه اصلی پژوهش را این‌چنین تبیین نمود که؛ «ترتیبات امنیتی نظام بین‌الملل پس‌ا جنگ سرد و افراط‌گرایی سلفی در یک رابطه سازه و قوام‌بخشی متقابل با یکدیگر قرار داشته و مرتباً یکدیگر را بازتولید کرده‌اند. به‌گونه‌ای که ترتیبات امنیتی نظام بین‌الملل پس‌ا جنگ سرد با تأکید بر پویش‌های منطقه‌ای ناشی از آن در غرب آسیا، باعث هویت‌یابی، تشدید و جهت‌دهی به افراط‌گرایی سلفی شده است و متقابلاً نضج افراط‌گرایی از طریق قوام‌بخشی به فرهنگ کانتی در میان اعضای غربی نظام جهانی، گسترش فرهنگ هابزی علیه اسلام، آشوب و نفی نظم دولت - ملت در سطح منطقه‌ای، ویژگی هژمونیک نظام بین‌الملل موجود را قوام‌بخشیده است.»

جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه یک نظام سیاسی در چهارچوب سرزمینی ایران هم‌اکنون به تهدید افراط‌گرایی سلفی در منطقه و به‌تبع آن حضور نظامی و نفوذ سیاسی آمریکا در منطقه پیرامونی خود مواجه است که واجد تهدیدات امنیتی برای کشور می‌باشد. نظم هژمونیک مدنظر آمریکا در دو دهه گذشته به مدد گفتمان مبارزه با تروریسم سلفی تحکیم یافته است که این موضوع نیز با توجه به موضع انتقادی جمهوری اسلامی نسبت به ساختار ظالمانه نظام بین‌الملل، واجد آسیب‌هایی برای جایگاه منطقه‌ای ایران می‌باشد.

از سوی دیگر گفتمان انقلاب اسلامی نیز به‌واسطه تشدید سلفی‌گری تکفیری در منطقه دچار چالش‌هایی نظیر؛ اتهام فرقه‌گرایی، تروریسم و ... شده است که ضریب نفوذ ایران را در جهان اسلام دچار کاهش می‌کند. لذا با توجه به روند هویت‌یابی جریان سلفی افراطی که در این پژوهش تبیین گردید و ابعاد تعامل آن با ساختارهای

منطقه‌ای و بین‌المللی برخی نکات در قالب پیشنهاد در راستای تحکیم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌گردد:

- ❖ تقویت سازوکارهای دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی برای مدیریت تصویر جمهوری اسلامی به‌عنوان الگوی امت‌گرایی در مقابل تلاش جریان سلفی برای بازنمایی شیعی و فرقه‌گرایانه از ایران و بازنمایی تبلیغاتی جمهوری اسلامی در قالب کشوری مردم‌سالار، ضدآمریکایی و غیر فرقه‌ای؛
- ❖ گسترش تعاملات فرهنگی و علمی با کشورهای اسلامی به‌ویژه در غرب آسیا و شمال آفریقا برای بهبود نگرش‌ها به ایران در جوامع عربی؛
- ❖ تقویت موضوع فلسطین در گفتمان سیاسی دینی جمهوری اسلامی به‌عنوان محور وحدت اسلامی و اولویت اصلی مقابله با دشمن خارجی؛
- ❖ راه‌اندازی مراکز تخصصی مطالعات تروریسم با هدف تبیین علمی از این پدیده در جهان اسلام و مستندسازی ریشه‌های تروریسم تکفیری با توجه به حمایت‌های آمریکا، سعودی و ...؛
- ❖ تقویت توان سیاسی و نظامی جبهه مقاومت در منطقه با رویکرد تقابل با آمریکا به‌عنوان دشمن اصلی جهان اسلام و طراح اصلی بحران‌های منطقه‌ای؛
- ❖ تخریب ظرفیت‌های اجتماعی هم‌سو با جریان تکفیر از طریق فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای در سطح جهان اسلام؛
- ❖ افزایش تعامل با علما و جریان‌های سیاسی و دینی در جامعه اهل سنت و سرمایه‌گذاری گسترده فرهنگی، اجتماعی و تربیتی با هدف ترویج اسلام میانه‌رو و تقویت جریان روحانیت و یا شیوخ صوفی؛
- ❖ دیپلماسی فعال و مشاوره امنیتی مؤثر به کشورهای جهان اسلام که در معرض خطر تروریسم تکفیری هستند؛
- ❖ ائتلاف‌سازی حداکثری برای مبارزه با افراط از طریق ایجاد پیمان‌های امنیتی در سطح جبهه مقاومت (ایران، عراق، سوریه و لبنان) و در سطح فرا منطقه‌ای با مشارکت قدرت‌هایی چون؛ روسیه، چین، ترکیه و ...؛

❖ ایجاد نهادهای کمک‌رسان فراملی با مشارکت کشورهای هم‌سو برای حمایت از رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای هدف جریان سلفی تکفیری.



فهرست منابع

الف: منابع فارسی

- قرآن کریم
- ابراهیمی، نبی اله (۱۳۹۲). *نو سلفی‌گری و جهانی‌شدن امنیت خاورمیانه*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری؛ اولی، ویور (۱۳۸۷). *مناطق و قدرت‌ها*. ترجمه: رحمان قهرمان‌پور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پرایس، ریچارد؛ کریستین رئوس، اسمیت (۱۳۸۵). *رابطه خطرناک؟ نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و مکتب سازه‌انگاری در اندرو لینکلینتر: نواقح‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه.
- روآ، الیویه (۱۳۸۷). *اسلام جهانی‌شده*. ترجمه: حسن فرشتیان. قم: بوستان کتاب.
- سید قطب (۱۳۷۲). *ما چه می‌گوییم*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸). *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*. ترجمه: علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- فولر، گراهام؛ لسر، یان (۱۳۸۴). *احساس محاصره: ژئوپلیتیک اسلام و غرب*. ترجمه: علیرضا فرشچی و علی‌اکبر کرمی. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴). *چالش‌های هویت در آمریکا*. ترجمه: محمودرضا گلشن پژوه و دیگران. تهران: ابرار معاصر
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲). *منطقه‌گرایی نوین و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه راهبرد. شماره ۲۷.
- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). *تحلیل محتوای کیفی، پژوهش در علوم انسانی*. شماره ۲.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). *تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی*. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۶۴.
- تخشید، محمدرضا؛ نوریان، اردشیر (۱۳۸۷). *یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و تأثیر آن بر نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه علوم سیاسی. سال ۱۱. شماره اول.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۴). *۱۱ سپتامبر، ساختار نظام بین‌المللی و هژمونی آمریکا*. مطالعات راهبردی. شماره ۱۷ و ۱۸.

- رضایی، علیرضا (۱۳۸۸). *نظم ایده‌محور: الگوی ایالات متحده آمریکا از نظم در نظام بین‌الملل پس‌از جنگ سرد*. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. شماره ۳.
- جمشیدی، محمد (۱۳۸۶). *نظام‌های بین‌المللی تک قدرت‌محور: تک‌قطبی، هژمونی، امپراتوری*. فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۳۸.
- سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹). *سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران*. مطالعات راهبردی. شماره ۴۷.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۵). *ساخت ژئوپلیتیکی سیستم بین‌الملل نوین و استراتژی نظامی، امنیتی ایالات متحده آمریکا*. فصلنامه ژئوپلیتیک. شماره ۲.
- قریب، حسین (۱۳۹۰). *مرزهای تداوم و تغییر در دکترین امنیت ملی اوباما*. فصلنامه روابط خارجی. سال ۳. شماره ۳.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی رفتار سیاسی آمریکا در خاورمیانه*. مطالعات جهان. دوره ۱. شماره اول.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۲). *تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختارگرایی*. فصلنامه راهبرد. شماره ۶۷.
- محبوبی، قربانعلی؛ شهوند، شهراد؛ عظیم‌زاده، جعفر (۱۳۹۲). *حضور نیروهای نظامی خارجی در افغانستان و گسترش افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱)*. مطالعات جهان اسلام. سال ۲. شماره اول.
- مسعودنیا، حسین؛ فروغی، عاطفه (۱۳۹۱). *نظری بر نقش گروه‌های اسلام‌گرا در سومالی*. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام. دوره ۱. شماره ۳.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۹). *گفتمان اسلامی و گفتمان جهانی*. مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل. به اهتمام حسین پوراحمدی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مهربان، احمد (۱۳۸۷). *جنگ علیه تروریسم و افزایش حملات انتحاری در عراق و افغانستان*. فصلنامه راهبرد. سال ۱۶. شماره ۴۸.
- نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۷). *جهانی‌شدن، امپریالیسم فرهنگی و اسلام سیاسی در خاورمیانه*. فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال ۱۵. شماره ۳ و ۴.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۷). *قواعد و هنجارهای بین‌المللی: پیدایش، تحول و تأثیرگذاری*. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۱. شماره مسلسل ۴۲.

ب: منابع عربی

- الزرقاوی، ابو مصعب (۱۴۲۷). سِلْسِلَةُ مُحَاضِرَاتِ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الرَّافِضَةِ، قابل دسترسی در: <https://archive.org/details/abumus>
- السوری، ابومصعب (۱۴۲۵). دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، قابل دسترسی در <https://archive.org/details/Dawaaah>
- الظواهري، ایمن (۱۴۲۳). الولاء و البراء، عقیده منقوله و واقع مفقود، منبر التوحید و الجهاد، قابل دسترسی در <http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS>
- بن‌لادن، اسامه (۲۰۰۹). نص کلمه الشیخ أسامة بن‌لادن الى الشعوب الأوربية، الصادرة عن مؤسسة السحاب للإنتاج الإعلامي، سبتمبر ۲۰۰۹ https://archive.org/details/all_osama_speech



ج: منابع انگلیسی

- Aaron, David (2008). in their own words Voices of Jihad. RAND Corporation. National Defense Research Institute.
- Al-Zawahiri (2001). Knights Under the Prophet's Banner: Meditations on the Jihadist Movement. London: Al-Sharq Al-Awsat December , 2001
- Al-Zawahiri, Ay Ayman (2013). General Guidelines for Jihad. As-Sahab Media Establishment.
- Azzam, Abdullah (2012a). Defense of Muslim Lands: The First Obligation After Iman. Published on Apr 20, 2012, Available in: <http://www.slideshare.net/baadshahm/defence-of-the-muslim-lands>
- Azzam, Abdullah (2012b). Al-Jihad Linguistically and Legally. Available in: <https://archive.org/details/Al-jihad-LinguisticallyAndLegally>
- Bin Laden (2004). Compilation of Usama Bin Ladin Statements 1994 – 2004. FBIS Report. January 2004.
- Gerges,F (2005). The Far Enemy: Why Jihad Went Global. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gunaratna, Rohan (2003). Inside Al-Qaeda: Global Network of Terror. Melbourne: Scribe Publications.
- Zehfuss, Maja (2002). Constructivism in International Relations. london: Cambridge University Press.
- Abuza, Zachary (2003). Funding Terrorism in Southeast Asia: The Financial Network of Al Qaeda and Jemaah Islamiyah. NBR Analysis. vol 14. no 5.
- Al-Adnani, Abu Muhammad (2014a). This is not our methodology nor will it ever be. Chabab Tawhid Media. April 2014.
- Al-Adnani, Abu Muhammad (2014b). Indeed Your Lord is Ever Watchful. pietervanostaeyen wordpress. September 22.
- Al-Baghdadi, Abu Bakr Al-Qurashi (2012). Allah Will Not Allow Except that His Light Should Be Perfected. Fursan Al-Balagh Media. July 2012.
- Al-Zarqawi, Musab (2004). Zarqawi Letter: February 2004 Coalition Provisional Authority English Translation of Terrorist al Zarqawi Letter Obtained by United States Government in Iraq. February 2004, U.S. Department of State, <http://2001-2009.state.gov/p/nea/rls/31694.htm>.
- Ashraf, M. A. (2004). True Islamic Teachings Compared to Al-Qaeda's Doctrine. The review of Religions. Vol 99. No4. P 31-52.
- Baqai, Huma (2011). Extremism and Fundamentalism: Linkages to Terrorism Pakistan's Perspective. International Journal of Humanities and Social Sciences. Vol.1. No 6. pp241-248.
- Bar, Shmuel & Yair Minzili (2006). The Zawahiri Letter and the Strategy of Alqaeda. Hudson Institute. Washington DC.
- Barrett, Richard(2014). The Islamic State. The Soufan Group. November 2014

- Beehner, Lionel (2006). Iraqs Meddle Some Neighbors. council for foreign relations. August 31, Available in: <http://www.cfr.org/iraq/iraqs-meddlesome-neighbors/p11377>
- Bernard, Haykel (2009). On the Nature of Salafi Thought and Action. in Global Salafism: Islam's New Religious Movement. pp 33-57, ed. Roel Meijer, London: Hurst.
- Braniff, Bill & Assaf Moghadam (2011). Towards Global Jihadism: Al-Qaeda's Strategic. Ideological and Structural Adaptations since 9/11. Perspectives On Terrorism. Vol 5.
- Brooks, Stephen & William Wohlforth (2001). Power, Globalization and the End of the Cold War: Reevaluating a Landmark Case for Ideas. International Security. Vol 25. No 3. pp 5-53.
- Chicago Project (2016). Suicide Attack Database. Chicago Project on Security and Terrorism. CPOST data posted as of October 12, 2016, Available in: http://cpostdata.uchicago.edu/search_results_new.php
- Duyvesteyn, Isabelle (2007). How New Is The New Terrorism?. Studies in Conflict & Terrorism. Vol.27. pp 439-440
- Esposito, John L (2014). ISIS, Radicalization, and the Politics of Violence and Alienation. The Center for the Study of Islam & Democracy (CSID). Sep 3, 2014
- Friedman, George (2014). The Islamic State Reshapes the Middle East. Geopolitical Weekly. November 25.
- Gause F. Gregory (2014). Beyond Sectarianism: the New Middle East Cold War. Brookings Institution: Doha Center analysis. Number 11
- Hanzel, Christopher (2005). The Origins of al Qaeda's Ideology: Implications for US Strategy. Parameters. Vol. 35. No. 1. pp 69-80.
- Hegghammer, Thomas (2010). The Rise of Muslim Foreign Fighters: Islam and the Globalization of Jihad. International Security. Vol 35. No 3. Pp 53-94.
- Jones, Seth G. A (2014). Persistent Threat The Evolution of al Qa'ida and Other Salafi Jihadists. RAND Corporation.
- Kissinger, Henry (2009). Obama's Foreign Policy Challenge. Washington Post. Wednesday. April 22.
- Lister, Charles (2014). Profiling the Islamic State. Brookings Institution: Doha Center analysis. Number 13
- Lupovici, Amir (2009). Constructivism Methods: a Plea and Manifesto. Review of International Studies. Vol 35. No 1. pp 195-218.
- Lund, Aron. (2012). Syrian Jihadism. Swedish Institute of International Affairs. UL brif. No 13
- Malka, Haim & William Lawrence (2013). Jihadi-Salafism's Next Generation. CSIS. Csis Middle East Program analysis paper October.
- Malka, Haim (2015). Jihadi-Salafi Rebellion and the Crisis of Authority. in: Religious Radicalism after the Arab Uprisings. Editor: Jon B. Alterman. Washington: Rowman & Littlefield, pp 9-35.

- Miller Steven E, (2006). The Iraq Experiment and U.S National Security. Survival. Vol48. No.4.
- Moniquet, Claude (2013). The Involvement of Salafism/wahhabism in the support and supply of arms to rebel groups. Policy Department DG External Policies. 11 June 2013.
- Najjar, Fuzzy (2005) the Arabs, Islam and Globalization. Middle East Policy. Vol.7. No. 3.
- Pape, Robert & James Feldman (2010) Cutting the Fuse: The Explosion of Global Suicide Terrorism and How to Stop It. Chicago: University of Chicago Press.
- Rabi, Amer (2000). Malaysia: Malta Jaya Globalization and the Muslim World. Publishing House.
- Rapaport, David C (2002). the Four Waves Of Rebel Terror and September 11. Anthropoetics. Vol 8. No. 1. P 1-19.
- Roy, Olivier (2016). France's Oedipal Islamist Complex. foreign policy. January ۷.
- Sanderson, Thomas M & Michael Barber & Joshua Russakis (2015). Key Elements of the Counterterrorism Challenge. in: Religious Radicalism after the Arab Uprisings. Editor: Jon B. Alterman. Washington: Rowman & Littlefield. pp 37-92
- Wiktorowicz, Quintan (2006). Anatomy of the Salafi Movement. Journal Studies in Conflict & Terrorism. Vol29. Issue 3. pp 207-239.
- Wood, graeme (2015). What ISIS Really Wants?. Atlantic. March 2015 Issue.
- Wood, Graeme & Edward Murrow (2015). What ISIS Really Wants?. Atlantic. March Issue.